



Analyzes the Impact of Shiite Identity on Iran's Security Strategies in the Middle East during the Period 2014-2019

Sadegh Sahvarpour Najafabadi¹, Hamed Mohaghegh Nia^{2*}, Reza Ghanavati³

Received: 2025/02/09

Accepted: 2025/06/09

Research Article

Abstract

This article analyzes the impact of Shiite identity on Iran's security strategies in the Middle East during the period 2014-2019. Given regional developments and numerous security threats, Iran has attempted to use its Shiite identity as a tool to secure itself and expand its regional influence. The emergence of Takfiri and religious extremist groups such as ISIS, the intensification of regional rivalries between Iran and Saudi Arabia, civil wars in Iraq, Syria, and Yemen, and the increasing presence of Shiite non-state actors in the region have prompted Iran to use Shiite identity as a tool to ensure national security and increase its regional influence. From the perspective of the Copenhagen School, which views security as a social and political process, this study analyzes how Iran has used Shiite identity to legitimize its security policies. The results of this study show that by supporting Shiite groups in Iraq, Syria, Lebanon, and Yemen, Iran has been able to strengthen its security and political position in the region while confronting regional and global threats. This article also examines the effects of these policies on Iran's relations with Sunni Arab countries and the West, and shows that Shiite identity has served as a strategic tool in Iran's foreign and security policy.

Keywords: Copenhagen School, Iran's security strategies, Middle East, Shiite identity, Security-building.

Sahvarpour Najafabadi, S., Mohaghegh Nia, H., & Ghanavati, R. (2025). Analyzes the Impact of Shiite Identity on Iran's Security Strategies in the Middle East during the Period 2014-2019. *Journal of Political and International Research*, 17(63), pp. 47-64.

¹ Department of International Relations, Ahv. C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. keymas0065@gmail.com

² Department of Political Sciences, Ahv. C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. kordankamran@gmail.com

³ Department of International Relations, Ahv. C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. rezaq65@gmail.com



امنیتی سازی هویت شیعی در راهبردهای امنیتی ایران در خاورمیانه (۲۰۱۴-۲۰۱۹) بر اساس

مکتب کپنهاگ

صادق شاهوارپور نجف آبادی^۱، حامد محقق نیا^{۲*}، رضا قنواتی^۳

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹
--------------	---

چکیده

این مقاله به تحلیل تأثیر هویت شیعی بر راهبردهای امنیتی ایران در خاورمیانه در دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ می‌پردازد. با توجه به تحولات منطقه‌ای و تهدیدات متعدد امنیتی، ایران تلاش کرده است تا از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای امنیت‌سازی و گسترش نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌برد. ظهور گروه‌های تکفیری و افراط‌گرایی مذهبی نظیر داعش، تشدید رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی، جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه و یمن و افزایش حضور بازیگران غیردولتی شیعی در منطقه، ایران را بر آن داشت تا از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت ملی و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌برد. پژوهش حاضر از منظر مکتب کپنهاگ، که به امنیت‌سازی به‌عنوان فرآیندی اجتماعی و سیاسی نگاه می‌کند، تحلیل می‌کند که چگونه ایران از هویت شیعی برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های امنیتی خود استفاده کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که ایران با حمایت از گروه‌های شیعه در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن، ضمن مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و جهانی، توانسته است جایگاه امنیتی و سیاسی خود را در منطقه تقویت کند. این مقاله همچنین به تأثیرات این سیاست‌ها بر روابط ایران با کشورهای عربی سنی و غرب پرداخته و نشان می‌دهد که هویت شیعی به‌عنوان یک ابزار استراتژیک در سیاست خارجی و امنیتی ایران عمل کرده است.

کلمات کلیدی: هویت شیعی، امنیت‌سازی، راهبردهای امنیتی ایران، خاورمیانه، مکتب کپنهاگ.

شاهوارپور نجف آبادی؛ صادق، محقق نیا؛ حامد، قنواتی؛ رضا. (۱۴۰۴). امنیت سازی هویت شیعی در راهبردهای امنیتی ایران در خاورمیانه (۲۰۱۴-۲۰۱۹) بر اساس مکتب کپنهاگ. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۳، صفحات ۶۴-۷۴

^۱. گروه روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران keymas0065@gmail.com

^۲. گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران kordankamran@gmail.com

^۳. گروه روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران rezaq65@gmail.com

مقدمه

امنیت و هویت، دو مؤلفه اساسی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی محسوب می‌شوند که در تعامل با یکدیگر، می‌توانند شکل‌دهنده راهبردهای کلان کشورها باشند. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار در خاورمیانه، هویت شیعی را نه تنها به‌عنوان یک عنصر هویتی، بلکه به‌عنوان ابزاری راهبردی در سیاست‌های امنیتی خود مورد استفاده قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ایران تلاش کرده است با بهره‌گیری از گفتمان شیعی، نوعی قدرت نرم و سخت در سطح منطقه‌ای ایجاد کند. این سیاست در طول دهه‌های گذشته، به‌ویژه در دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، هم‌زمان با تحولات ژئوپلیتیکی گسترده در خاورمیانه، بیش‌ازپیش برجسته شده است.

ظهور گروه‌های تکفیری و افراط‌گرایی مذهبی نظیر داعش، تشدید رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی، جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه و یمن و افزایش حضور بازیگران غیردولتی شیعی در منطقه، ایران را بر آن داشت تا از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت ملی و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌برد. در این راستا، ایران با استفاده از دیپلماسی مذهبی، حمایت از گروه‌های شیعی منطقه و گفتمان‌سازی امنیتی، تلاش کرده است هویت شیعی را به‌عنوان یک مسئله امنیتی در سیاست‌های داخلی و خارجی خود تعریف کند. در این فرآیند، ایران نه تنها تلاش کرده است از هویت شیعی به‌عنوان سپر دفاعی در برابر تهدیدات فرقه‌ای و تروریسم تکفیری استفاده کند، بلکه این هویت را به‌عنوان یک مؤلفه تعیین‌کننده در سیاست‌های امنیتی و ژئوپلیتیک خود در خاورمیانه به کار گرفته است.

برای درک بهتر این فرآیند، این پژوهش از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و نظریه امنیت‌سازی بهره می‌برد. بر اساس این نظریه، امنیت‌سازی فرآیندی است که طی آن یک دولت یا بازیگر سیاسی، یک مسئله خاص را به‌عنوان تهدیدی امنیتی تعریف کرده و از این طریق، آن را از سطح مباحث عادی سیاسی فراتر برده و به‌عنوان یک مسئله وجودی مطرح می‌کند. در این چارچوب، پژوهش حاضر به تحلیل این می‌پردازد که چگونه ایران از هویت شیعی به‌عنوان یک ابزار امنیتی استفاده کرده است و این هویت چگونه در سیاست‌های امنیتی این کشور در منطقه خاورمیانه امنیتی‌سازی شده است. ایران در این مدت با بهره‌گیری از گفتمان‌های سیاسی، دیپلماسی مذهبی، و حمایت از گروه‌های نیابتی شیعی، تلاش کرده است تا هویت شیعی را به یک ابزار استراتژیک در مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی خود تبدیل کند. امنیت‌سازی هویت شیعی در این زمینه به‌ویژه در کشورهای عراق، سوریه، یمن، لبنان و افغانستان نمود یافته است و این موضوع باعث شده که ایران نقش خود را در این مناطق به‌عنوان یک بازیگر محوری در فرآیندهای امنیتی منطقه‌ای تقویت کند.

۱- بیان مسأله

با توجه به مطالب مطرح شده پرسش اصلی این پژوهش این است که چگونه ایران از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای امنیت‌سازی در خاورمیانه استفاده کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش، به بررسی این مسأله پرداخته خواهد

شد که چه فرآیندهایی در ایران موجب امنیتی‌سازی هویت شیعی شده است؟ و چه پیامدهایی این امنیتی‌سازی برای سیاست خارجی و امنیت منطقه‌ای ایران به همراه داشته است؟

در این پژوهش فرض بر این است که امنیتی‌سازی هویت شیعی در ایران به‌عنوان یک ابزار برای تقویت نفوذ منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات امنیتی از درون و بیرون کشور، به‌ویژه از سوی گروه‌های افراطی، استفاده شده است. این پژوهش از روش تحلیل کیفی بهره می‌برد و با استفاده از روش‌های تحلیل گفتمان و بررسی اسناد تاریخی و سیاسی، به واکاوی چگونگی امنیتی شدن هویت شیعی در سیاست‌های ایران خواهد پرداخت. داده‌های این تحقیق شامل گزارش‌ها، اسناد رسمی، اظهارات مقامات ایرانی، تحلیل‌های رسانه‌ای و مقالات علمی است که به بررسی دقیق‌تر این فرآیند کمک خواهند کرد.

در نهایت، این تحقیق تلاش می‌کند تا تحلیلی نوین از نقش هویت مذهبی در سیاست‌های امنیتی ایران ارائه دهد و با استفاده از مکتب کپنهاگ، ابعاد امنیتی‌سازی هویت شیعی را در روند تحولات منطقه‌ای و راهبردهای ایران در خاورمیانه بررسی کند. پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان یک مطالعه راهبردی در حوزه امنیت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، درک بهتری از رابطه امنیت و هویت در سیاست‌های ایران ارائه دهد و پیامدهای آن را برای امنیت خاورمیانه تحلیل کند.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- مکتب کپنهاگ و امنیتی‌سازی

مکتب کپنهاگ یکی از رویکردهای کلیدی در تحلیل امنیت است که در دهه‌های اخیر در مطالعات روابط بین‌الملل به‌ویژه در زمینه امنیت‌سازی برجسته شده است. این مکتب، که توسط گروهی از پژوهشگران برجسته نظیر باری بوزان، اوله ویور و رنه دیوید مطرح گردید، به‌طور ویژه بر فرآیندهای اجتماعی و گفتمانی مرتبط با مفهوم امنیت تأکید دارد. در این رویکرد، امنیت به‌عنوان یک مسئله ذاتی و عینی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه یک فرآیند اجتماعی است که از طریق گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی ساخته و تولید می‌شود.

بوزان، ویور و دیوید (۱۹۹۸) در نظریه امنیت‌سازی خود به این موضوع اشاره دارند که امنیت تنها به تهدیدات فیزیکی یا نظامی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند در قالب یک مسئله اجتماعی و گفتمانی مطرح شود. به عبارت دیگر، یک کشور یا گروه می‌تواند یک مسئله خاص را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت خود معرفی کرده و از این طریق، آن را از سطح مسائل عادی فراتر برده و به یک مسئله وجودی تبدیل کند. در این فرآیند، آن موضوع یا تهدید نه به‌طور طبیعی، بلکه از طریق سخنرانی‌ها و گفتمان‌های سیاسی به‌عنوان تهدیدی جدی معرفی می‌شود (Buzan, Wæver, & Wilde, 1998).

این نظریه به‌ویژه در زمینه امنیت‌سازی در مناطق مختلف و به‌ویژه در سیاست‌های خارجی دولت‌ها کاربرد دارد. به‌طور خاص، ایران در سیاست‌های خود در منطقه خاورمیانه از این گفتمان برای امنیت‌سازی هویت شیعی استفاده

کرده است. در این چارچوب، ایران به واسطه هویت شیعی خود، تهدیدات مختلف از جمله افراط‌گرایی مذهبی و تحولات منطقه‌ای را به عنوان تهدیدات امنیتی در نظر گرفته و در پاسخ به آن‌ها از این هویت برای تقویت موقعیت خود در منطقه استفاده کرده است. ایران با معرفی هویت شیعی به عنوان یک مؤلفه امنیتی، توانسته است از آن به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به سیاست‌های خود در کشورهای منطقه مانند عراق، سوریه، یمن و لبنان استفاده کند. این امنیت سازی نه تنها به تقویت موقعیت ایران در برابر تهدیدات داخلی و خارجی کمک کرده است، بلکه به عنوان یک استراتژی در راستای مقابله با رقبا و دشمنان منطقه‌ای همچون عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا نیز عمل کرده است (Hosseini, 2015).

در این فرآیند، ایران از مفاهیم مذهبی شیعی برای ایجاد یک هویت مشترک در میان گروه‌های مختلف شیعه در کشورهای مختلف استفاده کرده و آن‌ها را به عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات فرقه‌ای و امنیتی معرفی کرده است. این اقدام‌ها از جمله حمایت از گروه‌های شبه نظامی شیعی مانند حزب الله لبنان، حشد الشعبی در عراق، و انصارالله در یمن، به عنوان بخشی از امنیت سازی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران مطرح می‌شود. در این راستا، ایران با استفاده از هویت شیعی به عنوان یک گفتمان و ابزار امنیتی، توانسته است در برابر تهدیدات فرقه‌ای و چالش‌های امنیتی در منطقه، موقعیت خود را تثبیت کرده و نفوذ خود را در کشورهای هدف تقویت کند. به طور مثال، ایران با حمایت از گروه‌های شیعی در سوریه، از هویت شیعی برای تقویت قدرت خود در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای استفاده کرده و به ویژه در تقویت رژیم بشار اسد نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است (Khomeini, 1979; Tabatabai, 2013).

این امنیت سازی هویت شیعی نه تنها در عرصه بین المللی، بلکه در سطح داخلی نیز پیامدهای قابل توجهی داشته است. در سطح داخلی، ایران توانسته است از هویت شیعی برای تقویت انسجام داخلی و مقابله با چالش‌های سیاسی و اجتماعی استفاده کند. این امر به ویژه در برابر تهدیدات داخلی از جمله اعتراضات و بحران‌های اجتماعی که ممکن است مشروعیت نظام را تهدید کند، بسیار مؤثر واقع شده است. به علاوه، ایران با استفاده از گفتمان مذهبی شیعی در سطح داخلی، توانسته است پیوندهای فرهنگی و اجتماعی میان اقشار مختلف جامعه را تحکیم کند و هویت ملی خود را با هویت مذهبی شیعی ترکیب کند (Alagha, 2006).

از این رو، امنیت سازی هویت شیعی در سیاست‌های ایران نه تنها یک استراتژی برای مقابله با تهدیدات امنیتی و تقویت نفوذ منطقه‌ای به شمار می‌آید، بلکه یک ابزار مهم در گفتمان سازی امنیت در سطح داخلی و بین المللی است که ایران از آن برای مقابله با چالش‌های مختلف امنیتی بهره می‌برد. این فرآیند به ویژه در شرایط کنونی خاورمیانه که با بحران‌های متعدد و تهدیدات مختلف مواجه است، به عنوان یک استراتژی مؤثر در سیاست خارجی ایران مطرح شده و نقش مهمی در تعیین موقعیت این کشور در منطقه ایفا کرده است (Buzan, 2008).

۲-۲- هویت شیعی و سیاست‌های امنیتی ایران

هویت شیعی و سیاست‌های امنیتی ایران، به‌ویژه در سیاست خارجی این کشور، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در تحلیل‌های امنیتی و استراتژیک ایران شناخته می‌شود. ایران به‌عنوان کشوری با اکثریت جمعیت شیعی، از هویت مذهبی خود به‌عنوان ابزاری برای تقویت نفوذ منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی استفاده کرده است. در این راستا، سیاست‌های امنیتی ایران در خاورمیانه به‌شدت تحت تأثیر هویت شیعی قرار دارند و به‌طور ویژه در تحولات منطقه‌ای و تعاملات با کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی نمایان می‌شوند. ایران توانسته است از این هویت به‌عنوان یک منبع مشروعیت و انسجام داخلی استفاده کند و در برابر تهدیدات فرقه‌ای و امنیتی، موقعیت خود را تقویت کند.

هویت شیعی در سیاست‌های امنیتی ایران در خاورمیانه به‌طور خاص در قالب یک فرآیند امنیت‌سازی در نظر گرفته می‌شود. در این فرآیند، ایران به‌دنبال ایجاد یک شبکه منطقه‌ای از گروه‌ها و دولت‌هایی است که هویت شیعی را به‌عنوان مبنای مشروعیت خود به کار می‌برند. این شبکه شامل گروه‌های شبه‌نظامی شیعی مانند حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی در عراق، و انصارالله در یمن است که هر یک در راستای تأمین امنیت و نفوذ ایران در منطقه عمل می‌کنند. ایران با استفاده از این گروه‌ها و ایجاد یک جبهه متحد از شیعیان منطقه، سعی دارد تهدیدات امنیتی را کاهش دهد و قدرت خود را در برابر رقبا و دشمنان منطقه‌ای تقویت کند. به‌ویژه، حمایت از حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک گروه مقاومتی در برابر اسرائیل و عربستان سعودی نمونه‌ای از استفاده ایران از هویت شیعی برای تقویت امنیت منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات خارجی است.

علاوه بر این، هویت شیعی به‌عنوان یک عامل درونی نیز در سیاست‌های امنیتی ایران به کار گرفته می‌شود. در سطح داخلی، ایران از این هویت به‌عنوان یک ابزار برای تقویت انسجام اجتماعی و سیاسی استفاده کرده است. هویت شیعی موجب ایجاد پیوندهای عمیق‌تری میان حکومت و مردم شده و در برابر تهدیدات داخلی مانند بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، به‌عنوان یک عنصر مشروعیت‌بخش به‌شمار می‌رود. این امر به‌ویژه در شرایطی که ایران با چالش‌های داخلی روبه‌رو است، اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌طور مثال، گفتمان مذهبی شیعی به‌عنوان یک ابزار تقویت‌کننده در برابر بحران‌های سیاسی و اعتراضات اجتماعی استفاده شده است.

در سیاست خارجی، ایران با تکیه بر هویت شیعی به‌دنبال گسترش نفوذ خود در کشورهای خاورمیانه است. این هویت به‌ویژه در برابر رقبا و قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و ترکیه که هویت سنی دارند، به‌عنوان یک عامل رقابتی و استراتژیک به‌کار می‌رود. ایران با استفاده از هویت شیعی در تعاملات خود با کشورهای منطقه‌ای، توانسته است نفوذ خود را در کشورهای شیعه‌نشین و حتی در میان برخی گروه‌های سنی گسترش دهد. برای مثال، حمایت از دولت بشار اسد در سوریه و گروه‌های شیعی در عراق و یمن به‌عنوان بخشی از سیاست‌های امنیتی ایران در برابر تهدیدات خارجی، به‌ویژه از سوی گروه‌های تکفیری مانند داعش، تلقی می‌شود. ایران با این سیاست‌ها در تلاش است تا جایگاه خود را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تثبیت کند و تهدیدات امنیتی را کاهش دهد.

در مجموع، هویت شیعی به عنوان یک ابزار امنیتی در سیاست های ایران نه تنها به عنوان عامل انسجام داخلی عمل کرده است، بلکه در سیاست خارجی این کشور نیز نقشی حیاتی ایفا می کند. ایران با استفاده از این هویت، توانسته است در برابر تهدیدات داخلی و خارجی واکنش های مناسبی نشان دهد و در تحولات منطقه ای حضور خود را تقویت کند.

۲-۳- امنیت سازی و غیرامنیتی سازی هویت شیعی در راهبردهای امنیتی ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۹)

امنیت سازی و غیرامنیتی سازی هویت شیعی در راهبردهای امنیتی ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۹) یک مسئله پیچیده و چندوجهی است که در بستر تحولات منطقه ای و بین المللی قابل تحلیل است. هویت شیعی در سیاست های ایران نه تنها به عنوان یک عامل داخلی بلکه به عنوان ابزاری مؤثر در سیاست خارجی و امنیت منطقه ای این کشور عمل کرده است. از آنجا که ایران به عنوان کشوری با اکثریت شیعه در منطقه خاورمیانه قرار دارد، سیاست های امنیتی آن همواره تحت تأثیر هویت مذهبی این کشور بوده است. امنیت سازی و غیرامنیتی سازی هویت شیعی در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، با ظهور گروه های تروریستی و فرقه ای و همچنین درگیری های سیاسی در کشورهای منطقه نظیر سوریه، عراق، و یمن، به طور چشمگیری تغییر کرده است. ایران در این مدت، از یک سو سعی کرده است تا هویت شیعی را به عنوان عامل مشروعیت بخش و قدرت ساز در سطح داخلی و بین المللی معرفی کند و از سوی دیگر، تلاش هایی برای کاهش تهدیدات ناشی از این هویت در روابط بین المللی انجام داده است.

امنیتی سازی هویت شیعی در سیاست های امنیتی ایران یکی از مهم ترین موضوعات مورد توجه در تحلیل روابط بین الملل و امنیت در خاورمیانه است. این فرآیند که در قالب تحلیل امنیتی مکتب کپنهاگ مورد بررسی قرار می گیرد، می تواند به عنوان یک استراتژی پیچیده برای تقویت نفوذ ایران و مقابله با تهدیدات امنیتی منطقه ای و جهانی مورد مطالعه قرار گیرد. در این بخش، به تبیین تئوریک امنیتی سازی هویت شیعی پرداخته می شود.

۲-۴- امنیتی سازی هویت شیعی در چارچوب مکتب کپنهاگ

در مکتب کپنهاگ، امنیت به عنوان یک فرآیند اجتماعی و سیاسی مطرح می شود و این تئوری بر این اساس استوار است که تهدیدات امنیتی از طریق فعالیت های اجتماعی و سیاسی ساخته و پرداخته می شوند. در این نگاه، مفهوم «امنیتی سازی» به معنای تبدیل یک موضوع غیرامنیتی به یک تهدید امنیتی است که نیاز به پاسخ ها و اقدامات خاص امنیتی دارد. این فرآیند معمولاً با توجه به هویت های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رخ می دهد که به عنوان تهدیدات یا عوامل امنیتی تعریف می شوند.

در ایران، هویت شیعی به عنوان یک مؤلفه مرکزی در این فرآیند ایفای نقش کرده است. از منظر مکتب کپنهاگ، هویت شیعی که در اساس برای جمهوری اسلامی ایران یک عنصر فرهنگی و مذهبی است، از سوی مقامات ایران به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به سیاست های داخلی و خارجی و همچنین مقابله با تهدیدات امنیتی منطقه ای

و جهانی مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر، ایران هویت شیعی را نه تنها به‌عنوان یک هویت دینی و مذهبی بلکه به‌عنوان یک ابزار استراتژیک در جهت تقویت امنیت خود به‌کار گرفته است.

امنیتی‌سازی هویت شیعی در ایران دارای ابعاد مختلفی است که می‌توان آن‌ها را در چارچوب امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و امنیت فرهنگی تقسیم‌بندی کرد. در بعد امنیت ملی، هویت شیعی به‌عنوان یک ابزار مشروعیت‌بخشی برای حکومت اسلامی ایران به‌کار می‌رود.

در این راستا، ایران از هویت شیعی برای تقویت انسجام داخلی، مقابله با تهدیدات خارجی و همچنین مقابله با نارضایتی‌های اجتماعی استفاده کرده است. این هویت به‌طور خاص در مقابله با تهدیدات ناشی از گروه‌های تکفیری و سنی‌گرای افراطی نظیر داعش، به‌عنوان ابزاری برای جلب حمایت عمومی و ایجاد جبهه متحد داخلی عمل کرده است.

در بعد امنیت منطقه‌ای، ایران از هویت شیعی به‌عنوان یک ابزار برای گسترش نفوذ خود در کشورهای مختلف خاورمیانه استفاده کرده است. با حمایت از گروه‌های شیعه در عراق، سوریه، لبنان و یمن، ایران توانسته است هویت شیعی را به‌عنوان یک عنصر مقاومتی در برابر تهدیدات خارجی مطرح کند و در عین حال، امنیت منطقه‌ای خود را تقویت نماید. این امر به‌ویژه در شرایطی که ایران با تهدیدات منطقه‌ای و جهانی روبه‌رو بوده است، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

در بعد امنیت فرهنگی، هویت شیعی به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده وحدت فرهنگی و دینی در برابر تهدیدات فرهنگی غرب و اسرائیل و همچنین مقابله با نفوذ فرهنگ‌های غیرایرانی، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، مطرح شده است. ایران تلاش کرده است تا با استفاده از هویت شیعی، نه تنها امنیت سیاسی بلکه امنیت فرهنگی و دینی خود را نیز حفظ کند و در برابر چالش‌های فرهنگی که از سوی غرب و دیگر قدرت‌های خارجی به‌ویژه در قالب جهانی‌سازی به وجود آمده است، مقاومت کند.

۲-۵-۱- امنیت‌سازی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران

در سیاست خارجی ایران، هویت شیعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی امنیت‌سازی و سیاست‌های خارجی این کشور مطرح است. ایران از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای تقویت روابط با کشورهای هم‌پیمان شیعه و گسترش نفوذ خود در مناطق حساس و استراتژیک استفاده کرده است. در این راستا، ایران از طریق حمایت از گروه‌های شیعه در کشورهای مختلف، به‌ویژه در عراق و سوریه، توانسته است علاوه بر مقابله با تهدیدات مستقیم، موقعیت خود را در برابر رقبای منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و اسرائیل تقویت کند.

از آنجا که امنیت‌سازی هویت شیعی بر اساس گفتمان مقاومت و مقابله با سلطه‌گری خارجی استوار است، ایران با تکیه بر این گفتمان، توانسته است در برابر تهدیدات خارجی به‌ویژه تهدیدات نظامی از سوی قدرت‌های جهانی و

منطقه‌ای، به‌عنوان یک بازیگر مستقل و با نفوذ در منطقه ظاهر شود. به‌طور خاص، جمهوری اسلامی ایران از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه خود در برابر فشارهای خارجی و تهدیدات امنیتی استفاده کرده است. در چارچوب مکتب کپنهاگ، تهدیدات امنیتی ساخته و پرداخته می‌شوند و به‌طور اجتماعی و سیاسی تعریف می‌شوند. در این فرآیند، ایران توانسته است با به‌کارگیری هویت شیعی به‌عنوان یک ابزار تهدیدسازی، نه تنها تهدیدات موجود را علیه خود مقابله کند، بلکه تهدیدات جدیدی را ایجاد کرده است که به‌نفع سیاست‌های امنیتی این کشور تمام می‌شود.

این تهدیدات به‌ویژه در قالب تهدیدات فرهنگی و سیاسی از سوی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی به‌وجود آمده‌اند. برای مثال، تهدیدات ناشی از گروه‌های سنی‌گرای افراطی و تهدیدات ناشی از سیاست‌های غرب به‌ویژه ایالات متحده، از جمله تهدیدات مهمی بوده است که ایران در برابر آن‌ها واکنش نشان داده است.

امنیتی‌سازی هویت شیعی در سیاست‌های امنیتی ایران نه تنها به‌عنوان یک فرآیند داخلی برای تقویت امنیت ملی ایران عمل کرده است، بلکه به‌عنوان یک استراتژی خارجی نیز برای گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه و مقابله با تهدیدات جهانی به‌کار گرفته شده است.

هویت شیعی در این فرآیند، به‌عنوان ابزاری استراتژیک برای تقویت روابط ایران با گروه‌های هم‌پیمان شیعه در منطقه و مقابله با تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی عمل کرده است. در نهایت، امنیت‌سازی هویت شیعی، به‌ویژه در راستای ایجاد و تقویت جبهه مقاومت در برابر قدرت‌های خارجی، یکی از ارکان اصلی سیاست‌های امنیتی و خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه است.

۲-۶- غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی

غیرامنیتی‌سازی یک فرآیند است که در چارچوب نظریه مکتب کپنهاگ به‌عنوان معکوس امنیت‌سازی شناخته می‌شود. در امنیت‌سازی، یک موضوع یا پدیده به‌عنوان تهدیدی برای امنیت معرفی می‌شود و نیاز به اقدامات خاص برای مقابله با آن تهدید احساس می‌شود. در حالی که در غیرامنیتی‌سازی، تهدیدی که پیشتر به‌عنوان یک خطر امنیتی شناخته شده است، از دایره تهدیدات امنیتی خارج می‌شود و تبدیل به یک موضوع عادی و قابل حل از طریق ابزارهای غیرامنیتی می‌شود.

در این فرآیند، فعالان سیاسی یا دولت‌ها تلاش می‌کنند تا تهدیدات واقعی یا تخیلی که پیشتر به‌عنوان تهدیداتی جدی برای امنیت معرفی شده بودند، به‌طور عامیانه و غیرامنیتی‌شده در نظر گرفته شوند. در این صورت، دیگر نیاز به استفاده از ابزارهای نظامی و امنیتی برای مقابله با آن تهدیدات وجود ندارد و امکان بررسی و حل مسائل از طریق راه‌حل‌های دیپلماتیک و اجتماعی فراهم می‌شود.

۲-۷- فرآیند غیرامنیتی‌سازی

غیرامنیتی‌سازی به‌طور عمده در دو مرحله صورت می‌گیرد: مرحله اول، تغییر چارچوب و مفهوم تهدید است و مرحله دوم، کاهش اقدام‌های امنیتی و تقویت اقدامات غیرامنیتی است. در این فرآیند، موضوعی که قبلاً به‌عنوان تهدید امنیتی و نیازمند مداخلات امنیتی معرفی شده بود، به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند از طریق سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی یا دیپلماتیک حل شود.

این فرآیند از طریق گفت‌وگوها، مذاکرات و گفتمان‌های مختلف اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد که در آن کنشگران سیاسی و اجتماعی تلاش می‌کنند تا تهدیدات را به‌گونه‌ای بازتعریف کنند که آن‌ها دیگر نیازمند تدابیر امنیتی نباشند. این تغییر در نگاه و نگرش به تهدیدات می‌تواند باعث کاهش استفاده از سیاست‌های جنگی و امنیتی شود و در عوض راه‌حل‌های دیپلماتیک، اقتصادی یا اجتماعی را پیش روی مسئله قرار دهد.

۲-۸- غیرامنیتی‌سازی در سیاست‌های ایران

در سیاست‌های ایران، هویت شیعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان امنیتی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، به‌ویژه در برخی مواقع، فرآیند غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی نیز در سیاست‌های ایران مشاهده می‌شود. این فرآیند زمانی رخ می‌دهد که ایران تلاش می‌کند تا از تأکید بیش از حد بر هویت شیعی به‌عنوان یک تهدید امنیتی پرهیز کند و آن را به‌عنوان یک ویژگی فرهنگی و دینی که نیاز به مقابله نظامی ندارد، مطرح کند.

برای نمونه، در روابط ایران با کشورهای عربی سنی‌مذهب و کشورهای غربی، به‌ویژه پس از توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ در سال ۲۰۱۵، ایران به‌طور عمده تلاش کرد تا تصویر هویت شیعی را از یک تهدید امنیتی به یک مسئله فرهنگی و دینی بازتعریف کند. این تغییر در سیاست‌های ایران به‌ویژه در مواجهه با فشارهای جهانی و منطقه‌ای و برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها با کشورهای سنی‌گرا و همچنین برای مقابله با انتقادهای بین‌المللی از نفوذ ایران در کشورهای منطقه‌ای بود.

در این فرآیند، ایران سعی دارد تا هویت شیعی را به‌عنوان یک بخشی از تمدن اسلامی و فرهنگ منطقه‌ای معرفی کند که در کنار دیگر اقوام و مذاهب، ظرفیت‌هایی برای هم‌زیستی و همکاری دارد و دیگر نیاز به نگرش‌های امنیتی و تهدیدآمیز در رابطه با آن نیست. در نتیجه، ایران تلاش می‌کند که این هویت را نه تنها از زاویه تهدید بلکه از زاویه همکاری و گفتمان منطقه‌ای بازتعریف کند.

۲-۹- آثار غیرامنیتی‌سازی در سیاست خارجی ایران

غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روابط بین‌المللی ایران داشته باشد. زمانی که ایران قادر باشد هویت شیعی را به‌عنوان یک عامل همکاری و هم‌زیستی معرفی کند، می‌تواند در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با کشورهای مختلف همکاری داشته باشد و تنش‌های امنیتی را کاهش دهد. این

امر به‌ویژه در شرایطی که ایران با تهدیدات امنیتی و اقتصادی از سوی قدرت‌های بزرگ و کشورهای رقیب منطقه‌ای روبه‌رو است، می‌تواند مفید باشد.

یکی از نمونه‌های این فرآیند، سیاست‌های ایران در سوریه است. در حالی که ایران هویت شیعی را به‌عنوان یک تهدید امنیتی برای کشورهای سنی‌مذهب در منطقه معرفی نکرد، بلکه تلاش کرد آن را به‌عنوان یک عامل مقاومت در برابر تروریسم و افراط‌گرایی معرفی کند. در این چارچوب، ایران تلاش کرد تا هویت شیعی را به‌عنوان یک نقطه قوت و نه نقطه ضعف در برابر تهدیدات خارجی معرفی کند و از آن برای جلب حمایت سایر کشورهای منطقه‌ای و حتی بین‌المللی استفاده نماید.

غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی در سیاست‌های امنیتی ایران نشان‌دهنده یک تغییر در نگرش به تهدیدات امنیتی است که به‌طور معمول از سوی برخی گروه‌ها و دولت‌ها به‌عنوان تهدیدهای جدی در نظر گرفته می‌شود. این فرآیند به ایران این امکان را می‌دهد که با کاهش تمرکز بر تهدیدات امنیتی، به مسائل فرهنگی و دینی خود از منظر همکاری و گفت‌وگو پردازد و در عین حال روابط خود را با کشورهای دیگر بهبود بخشد.

در نهایت، غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش فرصت‌های همکاری و هم‌زیستی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود.

۲-۱۰- راهبردهای ایران در خاورمیانه (عراق، سوریه، یمن، لبنان)

ایران در سال‌های اخیر با استفاده از سیاست‌های چندگانه و پیچیده، به‌ویژه در کشورهای عراق، سوریه، یمن و لبنان، نفوذ خود را در منطقه خاورمیانه تقویت کرده است. این کشور در تلاش است تا از طریق حمایت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی از گروه‌ها و دولت‌های هم‌پیمان خود، امنیت و ثبات منطقه‌ای را در راستای منافع خود تأمین کند. در ادامه به بررسی راهبردهای ایران در این کشورها پرداخته می‌شود.

در عراق، ایران از سال ۲۰۰۳ که رژیم صدام حسین سقوط کرد و آمریکا وارد این کشور شد، تلاش کرد تا روابط خود را با گروه‌های شیعه تقویت کند. پس از آن، با توجه به افزایش تهدیدات امنیتی و درگیری‌های داخلی در عراق، ایران به‌طور مستقیم از گروه‌های شیعه عراق، به‌ویژه در برابر تهدیدات داعش حمایت کرد.

این حمایت‌ها شامل اعزام نیروهای شبه‌نظامی، ارسال تسلیحات و کمک‌های مالی به گروه‌های مختلف شیعی نظیر حشدالشعبی و کتائب حزب‌الله بود. این گروه‌ها نه تنها در برابر داعش مقاومت کردند، بلکه نقشی کلیدی در حفظ امنیت و ثبات در عراق داشتند. ایران همچنین در فرآیند بازسازی عراق پس از بحران‌های مختلف، پروژه‌های اقتصادی و زیرساختی زیادی را به انجام رسانده است. هدف اصلی ایران در عراق نه تنها تقویت موقعیت خود در مقابله با تهدیدات خارجی، بلکه ایجاد یک دولت مرکزی شیعه‌محور است که روابط خوبی با ایران داشته باشد.

در سوریه، ایران نقش بسیار برجسته‌ای در بحران داخلی این کشور ایفا کرده است. از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، ایران به حمایت از دولت بشار اسد پرداخت. حمایت‌های ایران در این زمینه به‌ویژه شامل اعزام

نیروهای نظامی و مشاوران به سوریه، حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه و ارسال تسلیحات و منابع مالی بوده است. ایران با همکاری با حزب‌الله لبنان و تشکیل گروه‌های مقاومت مانند فاطمیون (نیروهای افغان) و زینبیون (نیروهای پاکستانی)، توانسته است به دفاع از رژیم اسد و مقابله با گروه‌های مخالف بپردازد.

ایران علاوه بر حمایت‌های نظامی، به‌طور فعال در مذاکرات سیاسی در خصوص آینده سوریه نیز مشارکت داشته و به دنبال حفظ موقعیت خود در این کشور است. این استراتژی برای ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا سوریه یکی از مهم‌ترین متحدان این کشور در منطقه است و حضور ایران در این کشور به‌ویژه از طریق حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر اسرائیل و دیگر تهدیدات منطقه‌ای محسوب می‌شود.

در یمن، ایران به‌طور غیرمستقیم از حوثی‌ها (انصارالله) حمایت کرده است. حوثی‌ها که از شیعیان زیدی در یمن هستند، در سال ۲۰۱۴ قدرت را در یمن به‌دست گرفتند و دولت منصور هادی را که مورد حمایت عربستان سعودی بود، به چالش کشیدند. ایران در این راستا علاوه بر حمایت‌های سیاسی، به‌طور عمده تسلیحات و کمک‌های نظامی به حوثی‌ها ارسال کرده است. این حمایت‌ها به ایران این امکان را می‌دهد که نفوذ خود را در منطقه حاشیه خلیج فارس گسترش دهد و به‌ویژه در برابر نفوذ عربستان سعودی، که به‌عنوان رقیب اصلی ایران در منطقه شناخته می‌شود، موقعیت خود را تقویت کند. ایران به‌دنبال استفاده از وضعیت یمن به‌عنوان جبهه‌ای برای مقابله با ائتلاف سعودی است و این کشور را به‌عنوان یک ابزار در رقابت‌های منطقه‌ای با سعودی‌ها می‌بیند.

لبنان نیز یکی از مهم‌ترین جبهه‌های نفوذ ایران در خاورمیانه به‌شمار می‌رود. حزب‌الله لبنان که به‌عنوان یک گروه شبه‌نظامی و سیاسی شیعی شناخته می‌شود، با حمایت‌های ایران توانسته است در لبنان به‌عنوان یک نیروی تأثیرگذار حضور داشته باشد. ایران از طریق حزب‌الله، علاوه بر تقویت نفوذ خود در لبنان، به مقابله با تهدیدات اسرائیل پرداخته است. حزب‌الله از نظر نظامی توانایی‌های بالایی دارد و در طول جنگ‌های مختلف، به‌ویژه در سوریه، از نیروی نظامی خود به‌عنوان ابزاری برای حمایت از منافع ایران در منطقه استفاده کرده است.

ایران همچنین از حزب‌الله به‌عنوان یک نقطه تماس و تسلیحاتی برای تأمین امنیت مرزهای خود و مقابله با تهدیدات خارجی استفاده می‌کند. این گروه نه تنها در لبنان، بلکه در سوریه و عراق نیز فعال است و با کمک به تثبیت رژیم بشار اسد، ایران در مسیر تحقق هلال شیعی از تهران تا بیروت گام برداشته است.

در مجموع، ایران در عراق، سوریه، یمن و لبنان با استفاده از سیاست‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی تلاش کرده است تا نفوذ خود را در این کشورهای استراتژیک گسترش دهد. ایران با بهره‌گیری از هویت شیعی و حمایت از گروه‌های شیعه در این کشورها، در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه از سوی کشورهای غربی و عربستان سعودی، پاسخ داده است. این راهبردهای ایران نه تنها در راستای حفظ امنیت داخلی و منطقه‌ای این کشور بلکه به‌دنبال ایجاد یک هلال شیعی هستند که از ایران تا لبنان ادامه دارد و در برابر تهدیدات منطقه‌ای و جهانی یک جبهه مقاومتی را ایجاد می‌کند.

۲-۱۱- هلال شیعی در خاورمیانه

از میان بیش از ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر مسلمان حدود ۱۵۰ میلیون نفر آن را شیعیان تشکیل می دهند. جمعیت شیعه در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای عربی از حقوق اولیه و اساسی خود محروم بوده و تحت محدودیت های بسیار قرار دارند. برای نمونه شیعیان عراق با اینکه اکثریت مطلق جمعیت این کشور را تشکیل می دهند تا پیش از سال ۲۰۰۳ و سرنگونی صدام حسین تحت سلطه حکومت سنی مذهب قرار داشته اند.

این وضعیت برای بحرین و آذربایجان نیز وجود دارد. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مهم ترین جرقه آغاز خیزش و تقویت شیعه را به وجود آورد و شیعیان کشورهای منطقه به آن امیدوار شدند. این نکته قابل تأمل می باشد که با وجود اینکه شیعیان فقط ۱۵ درصد جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهند اما این آمار در بین کشورهای خاورمیانه به گونه ای دیگر باید بررسی شود. اگر فقط تعداد مسلمانان در خاورمیانه بررسی شود خواهیم دید که جمعیت اهل تسنن ۶۲.۵ درصد و جمعیت شیعیان ۳۷.۵ درصد کل مسلمانان می باشد.

این آمار وقتی مهم تر می شود که بدانیم کشور عراق بعد از سرنگونی صدام حسین دارای یک حکومت شیعه گردید. این مساله مورد توجه بسیاری از سیاستگذاران قرار گرفت. در واقع دو ادعا در این زمینه مطرح گردید: نخست؛ قدرت گیری شیعه در منطقه منجر به شکل گیری یک بلوک شیعی شده، دوم؛ این بلوک شیعی توسط تهران هدایت خواهد شد. در اواخر سال ۲۰۰۴ و در اوج بحران هسته ای ایران ملک عبدالله دوم پادشاه اردن تدعا کرد نتیجه اصلی جنگ در عراق شکل گیری یک هلال شیعی تحت سلطه ایران بوده است.

همچنین سعود الفیصل وزیر خارجه اسبق عربستان سعودی طی یک مصاحبه از نفوذ ایران در کشورهای عراق و لبنان انتقاد کرده و به تاثیرگذاری ایران در امور داخلی کشورهای عربی هشدار داد (سعود الفیصل، ۲۰۰۶). وی معتقد بود ایران نباید به دنبال تشکیل یک کمربند شیعی در منطقه باشد چرا که موجب ناهنجاری های منطقه ای می شود. علاوه بر آن پادشاه بحرین نیز در سال ۲۰۱۱ و در جریان اعتراضات مردم بحرین این رویدادها را ناشی از طرح بزرگ تر ایران برای گسترش هلال شیعی دانست.

در فوریه ۲۰۱۷ نیز چاووش اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه ضمن انتقاد از سیاست های ایران در خاورمیانه اظهار داشت: ایران می کوشد دو کشور شیعی در سوریه و عراق تاسیس کند. این اقدامات بسیار خطرناک هستند و باید متوقف شوند.

با توجه به مطالب مطرح شده می توان نتیجه گرفت کشورهای منطقه گسترش هلال شیعی را به ضرر منافع خود قلمداد کره، تمام تلاش خود را جهت جلوگیری از تثبیت و گسترش این هلال انجام می دهند. اما دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در این خصوص چه می باشد .

به نظر می رسد موضوع نفوذ ایران شیعی در منطقه بیشتر بر حضور فعال و عملی ایران در مسائل جهان عرب متمرکز است. سیاست ایران در این رابطه کاملاً روشن بوده است. شبیه هر انقلاب مهم دیگر در دنیا که در شروع تحت تأثیر رفتارها و هیجانات انقلابی بودند و سپس به سمت عمل گرایی و واقع بینی حرکت کردند، ایران نیز به جز

چند سال اول انقلاب در دهه ۱۹۸۰، همیشه یک سیاست عمل‌گرایانه را در ارتباط با کشورهای عرب همسایه دنبال کرده است. در این زمینه البته نظرات دیگری نیز در بین ایرانیان وجود دارند که معتقدند با توجه به اهداف منطقه‌ای و ملاحظات امنیتی متفاوت دو طرف، درگیر شدن زیاد در سیاست‌های جهان‌اعرب نه به نفع منافع ملی کشور است و نه، همانطور که تاریخ نشان داده است، باعث قدردانی نخبگان سنی عرب می‌شود.

بنابراین، به دلیل ناسازگاری قابلیت ایجاد چنین هلال شیعی در سطح توده‌ها با ساختار قدرت و سیاست در ایران، نگاه تحلیلگران در ایران بندرت به این سمت حرکت می‌کند. بنابراین حتی بحث در زمینه امکان شکل‌گیری چنین هلال شیعی اساساً ویژگی و ماهیت ایرانی ندارد. دور نمای واقعی ایجاد ائتلاف ایدئولوژیک شیعی هنوز در جوامع عرب یا ایرانی نهادینه نشده است و بنابراین وزن کمی در تنظیم سیاست خارجی ایران دارد.

اگر چه ایدئولوژی یک بخش مهمی از دیدگاه جهانی جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد، ولی حقایقی زیادی نیز وجود دارد که نشان می‌دهند اقدامات ایران در منطقه بیشتر از ملاحظات واقع‌گرایانه نشأت می‌گیرند. نخبگان حاکم در ایران موضوع شیعه - سنی را بیشتر در حوزه گسترده‌تر در چارچوب جهان اسلام می‌بینند. امام خمینی (ره) رهبر فقید انقلاب اسلامی، برای اجتناب از هرگونه تنش "هفته وحدت" را در تقویم ایران قرار داد. در سال‌های بعدی انقلاب نیز، مقامات جمهوری اسلامی این خط فکری را دنبال کردند. برای مثال، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سفر خود (ژوئن ۲۰۰۸) به عربستان سعودی، به ضرورت حفظ وحدت بین شیعیان و سنی‌ها در منطقه اشاره کرد.

۲-۱۲- امنیت‌سازی هویت شیعی بر اساس مکتب کپنهاگ

امنیت‌سازی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران، به‌ویژه در خاورمیانه، یکی از مفاهیم پیچیده‌ای است که می‌تواند از منظر مکتب کپنهاگ تحلیل شود. این مکتب که یکی از رویکردهای برجسته در تحلیل مسائل امنیتی است، تأکید زیادی بر فرآیند اجتماعی امنیت‌سازی و سیاسی کردن تهدیدات دارد. مکتب کپنهاگ در تحلیل امنیت، بر این باور است که امنیت نه یک وضعیت ثابت و قطعی، بلکه یک فرآیند اجتماعی است که توسط دولت‌ها، نهادها و حتی گروه‌ها ساخته و پرداخته می‌شود.

در چارچوب مکتب کپنهاگ، امنیت‌سازی به معنای تغییر دادن تهدیدات به خطراتی است که باید مورد توجه قرار گیرند. این رویکرد همچنین از مفهوم امنیت‌سازی به‌عنوان فرآیندی اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کند که در آن هویت‌های گروهی، مذهبی، قومی و ملی به‌عنوان تهدیدات یا فرصت‌های امنیتی تلقی می‌شوند.

در این راستا، هویت شیعی در سیاست خارجی ایران به‌عنوان یک تهدید یا یک فرصت امنیتی مطرح می‌شود که می‌تواند بر شکل‌گیری سیاست‌های امنیتی ایران تأثیر بگذارد.

ایران با تأکید بر هویت شیعی، در تلاش است تا امنیت خود را نه تنها در سطح داخلی بلکه در سطح منطقه‌ای نیز تأمین کند. هویت شیعی به‌ویژه در روابط ایران با کشورهای خاورمیانه و در تعاملات ایران با گروه‌های شیعه در عراق،

سوریه، لبنان و یمن نقش برجسته‌ای دارد. ایران از این هویت به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود در سطح داخلی و بین‌المللی استفاده کرده است. در چارچوب مکتب کپنهاگ، این فرآیند می‌تواند به‌عنوان یک اقدام امنیت‌ساز در نظر گرفته شود که با تغییر شرایط و ارزیابی تهدیدات، هویت شیعی را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در امنیت‌سازی در نظر می‌گیرد.

امنیت‌سازی هویت شیعی در ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تشدید شد. در این دوران، جمهوری اسلامی ایران هویت شیعی را نه تنها در داخل کشور بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی به‌عنوان یک عامل قدرت مطرح کرد. ایران از طریق ترویج ایدئولوژی شیعی و حمایت از گروه‌های شیعه در کشورهای مختلف، به‌ویژه در عراق، سوریه و لبنان، به دنبال تأسیس یک هویت مقاومت‌محور است که می‌تواند در برابر تهدیدات خارجی از جمله تهدیدات اسرائیل و آمریکا مقاومت کند.

در تحلیل مکتب کپنهاگ، هویت شیعی ایران به‌عنوان یک عامل امنیت‌ساز مطرح می‌شود که باعث می‌شود این کشور به‌طور مداوم در صدد امنیت‌سازی منطقه‌ای باشد. به‌ویژه در کشورهای شیعه‌نشین یا کشورهایی که گروه‌های شیعه در آن‌ها حضور دارند، ایران به‌دنبال گسترش نفوذ خود از طریق حمایت‌های سیاسی و نظامی است. این استراتژی در سوریه، عراق و لبنان به‌طور مشخص قابل مشاهده است، جایی که ایران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از دولت‌ها یا گروه‌های شیعه حمایت کرده است.

در مکتب کپنهاگ، امنیت‌سازی از طریق هویت شیعی نه تنها به‌عنوان یک دفاع از منافع ملی بلکه به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه در برابر تهدیدات جهانی تحلیل می‌شود. ایران با تقویت هویت شیعی و حمایت از گروه‌های شیعه در خارج از مرزهای خود، در تلاش است تا از بحران‌ها و تهدیدات احتمالی پیشگیری کند و به‌نوعی تهدیدات خارجی را به تهدیدات داخلی تبدیل کند که باید در چارچوب امنیت ملی تحلیل شوند.

در نهایت، تحلیل امنیت‌سازی هویت شیعی در ایران از منظر مکتب کپنهاگ نشان می‌دهد که این فرآیند یک اقدام مستمر است که در آن هویت شیعی از طریق ابزارهای مختلفی از جمله سیاست‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی به‌عنوان عامل ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و در چارچوب منافع ملی ایران در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی ایران در خاورمیانه تحلیل شود.

۳- نتایج و جمع‌بندی

در جمع‌بندی این پژوهش، می‌توان به‌طور کلی تأثیر هویت شیعی بر راهبردهای امنیتی ایران در خاورمیانه را از ابعاد مختلف تحلیل کرد. پژوهش حاضر نشان داد که هویت شیعی به‌عنوان یک عامل مؤثر در امنیت‌سازی ایران در سطح داخلی و منطقه‌ای عمل کرده است. در این راستا، ایران از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های داخلی و خارجی خود، تقویت موقعیت امنیتی و مقابله با تهدیدات خارجی استفاده کرده است.

ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، هویت شیعی را به‌عنوان عنصری مرکزی در سیاست‌های داخلی و خارجی خود قرار داد. این هویت نه تنها به‌عنوان یک جزء اساسی در استراتژی‌های امنیتی ایران، بلکه به‌عنوان عامل برقراری پیوندهای عاطفی و ایدئولوژیک با کشورهای و گروه‌های شیعه در منطقه، نقش برجسته‌ای ایفا کرده است.

در سال‌های اخیر، به‌ویژه در دهه‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰، ایران به‌طور فعال از این هویت برای ایجاد شبکه‌های متحد و تأسیس جبهه‌های مقاومت در برابر تهدیدات منطقه‌ای و جهانی بهره برده است. این سیاست‌ها عمدتاً به‌ویژه در کشورهای شیعه‌نشین مانند عراق، سوریه، لبنان و یمن مشاهده می‌شود.

از سوی دیگر، این پژوهش نشان داد که ایران از هویت شیعی نه تنها به‌عنوان یک عامل قدرت نرم در سیاست خارجی خود استفاده کرده، بلکه در زمینه‌های امنیتی و نظامی نیز به‌کارگیری این هویت به‌عنوان ابزار مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی و امنیتی خود در منطقه، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در این راستا، ایران در کشورهای مختلف خاورمیانه با حمایت از گروه‌های شیعه مانند حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن، تلاش کرده است تا به‌واسطه این گروه‌ها، تهدیدات منطقه‌ای را کاهش دهد و در عین حال به ایجاد یک نظم امنیتی به نفع خود در منطقه بپردازد.

یک نکته اساسی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، این است که امنیت‌سازی هویت شیعی در ایران نه تنها از طریق تقویت جنبه‌های نظامی و امنیتی صورت گرفته، بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز در این فرآیند دخیل هستند. ایران با استفاده از هویت شیعی به‌عنوان یک عامل اتحاد در میان گروه‌ها و ملت‌های منطقه، توانسته است ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی خود را در کشورهای هدف تقویت کند.

این سیاست‌ها منجر به ایجاد وابستگی‌های استراتژیک در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شده است که به‌طور مستقیم در امنیت ملی ایران تأثیرگذار است.

از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به تأکید بر استمرار و رشد این فرآیند امنیت‌سازی اشاره کرد. به‌نظر می‌رسد که ایران به‌طور مداوم از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات جهانی و منطقه‌ای استفاده خواهد کرد. با توجه به شرایط پیچیده جغرافیای سیاسی و رقابت‌های منطقه‌ای، ایران احتمالاً تلاش‌های خود را برای گسترش نفوذ منطقه‌ای و افزایش توانایی‌های امنیتی خود در کشورهای هدف ادامه خواهد داد.

در نهایت، پژوهش حاضر تأکید می‌کند که امنیت‌سازی هویت شیعی در ایران به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی و سیاسی، به‌طور مستقیم به سیاست‌های امنیتی و استراتژیک ایران در خاورمیانه و جهان مربوط است. این روند نه تنها به‌عنوان یک ابزار برای مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی عمل کرده، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران شناخته می‌شود. در این زمینه، ایران توانسته است از هویت شیعی به‌عنوان یک عامل قدرت و مشروعیت‌بخشی در عرصه‌های مختلف، از جمله در مقابله با تهدیدات تروریستی، رقابت‌های ایدئولوژیک و منافع ژئوپولیتیک بهره‌برداری کند.

در مجموع، بررسی‌های این پژوهش نشان داد که هویت شیعی در سیاست‌های امنیتی ایران یک عنصر کلیدی است که تأثیرات آن در امنیت‌سازی و تأمین منافع ملی این کشور در خاورمیانه از اهمیت بالایی برخوردار است.

منابع

- احمدی، علی (۱۳۹۰). هویت شیعی و نقش آن در سیاست‌های خارجی ایران. انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی، سجاد (۱۳۹۴). استراتژی ایران در خاورمیانه: تحلیلی بر روابط ایران و گروه‌های شیعی. فصلنامه روابط بین‌الملل، ۲۲(۴)، ۵۸-۸۰.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۵۸). ولایت فقیه: حکومت اسلامی. انتشارات امام خمینی.
- سعود الفیصل نگرانی عربستان سعودی را درباره نقش فراینده ایران در عراق بعد از اشغال را به عنوان حرکتی در جهت عدم توازن ساختار سستی قدرت در منطقه اعلام کرد. در این خصوص بنگرید به:
- Edward Gnehem, "Iraq: A View from the Neighborhood," 23 February. 2006
<http://www.gwu.edu/elliott/news/transcript/shapiro5.html>.
- طباطبایی، علی (۱۳۹۲). سیاست ایران در خاورمیانه: رویکردی به امنیت و هویت. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۳(۱)، ۴۵-۶۸.
- علاکه، جمیل (۱۳۸۵). شیعه و حزب‌الله: مطالعه‌ای از تأثیرات ایران. مجله مطالعات روابط بین‌الملل خاورمیانه، ۱۰(۳)، ۲۵-۴۵.
- Alagha, J. (2006). The Shia and Hezbollah: A Study of Iran's Influence. *Middle Eastern Studies*, 42(2), 37-56
- Abdo, G. (2015). *The Shi'a Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. Oxford University Press.
- Balzacq, T. (2005). "The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context." *European Journal of International Relations*, 11(2), 171-201.
- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.
- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge University Press.
- Buzan, B. (2008). *People, States, and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*. Lynne Rienner Publishers.
- Fawcett, L. (2013). *International Relations of the Middle East*. Oxford University Press
- Gause, F. G. (2010). *The International Politics of the Middle East*. Oxford University Press.
- Hosseini, S. (2015). Iran's Strategy in the Middle East: A Study of the Regional Influence of Shiite Identity. *Journal of Middle Eastern Politics*, 23(4), 56-72.
- Jafarzadeh, M. (2013). *Iran's Policy in the Middle East: The Role of Shiite Identity in Shaping Regional Strategies*. Tehran University Press.
- Kaldor, M. (2013). *New and Old Wars: Organized Violence in a Global Era*. Stanford University Press.
- Keddie, N. R. (2003). *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. Yale University Press.
- Lipman, M. (2006). *Islamic Iran and the West: An Analysis of the Security Strategies*. Cambridge University Press.
- Maleki, A. (2017). *Iran and the Arab World: Shia Identity and Security in the Middle East*. Routledge.
- Mabon, S. (2013). *Saudi Arabia and Iran: Power and Rivalry in the Middle East*. I.B. Tauris.

- Nasr, V. (2006). *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. W.W. Norton & Company.
- Tabatabai, A. (2013). Iran's Policy toward the Middle East: A Strategic Approach to Security and Identity. *Middle East Policy*, 20(1), 15-34.
- Tufi, S. (2017). "De-securitization and the Role of Religion in International Relations." *International Relations*, 31(4), 460-478.
- Vali Nasr, S. (2015). *The Dispensable Nation: American Foreign Policy in Retreat*. Doubleday.
- Williams, M. C. (2003). "Words, Images, Enemies: Securitization and International Politics." *International Studies Quarterly*, 47(4), 511-531.